

درمای نیمه باز

شمیر مستقیم

www.ketab.ir

سرشناسه: مستقیمی، شمیم، ۱۳۵۹ -
عنوان: نام پدر: آور: درهای نیمه باز/ شمیم مستقیمی.
مشخصات نشر: تهران: حرفه هنرمند، ۱۳۹۴.
مخصصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۳۸-۹
وضعیت فهرست نویسی: ف
موضوع: نشر: رسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۳۷۳.۴۱۰۱۰۱
رده بندی دیویی: ۸۰۰/۱۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۸۵۸۱



درهای نیمه باز
شمیم مستقیمی
ناشر: حرفه هنرمند
طراح گرافیک و جلد: سعید فروتن / مدیریت تولید: سعید قره گزینی
چاپ، لیتوگرافی و صحافی: طیف نگار
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
همه حقوق این کتاب محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به هر صورت
(چاپ، فتوکپی، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه ناشر ممنوع است.
نشانی: تهران صندوق پستی ۱۶۳۱۵-۱۸۹۵ تلفن: ۸۸۸۱۲۸۴۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۹-۳۸-۹

شهرت

مقدمه	۸	(*)
کار واجد به خاک سپردن مردگان	۲۰	[...]
نوشتن نورس نمناک آگاه	۲۸	×
گفتگو با خودم ماندن یا رفتن	۳۴	++
تحقق ایران در خارج از ایران	۴۸	...)
تحقق خارج از ایران در ایران	۵۸	≡
آیین کتابخوانی فصلی در عشق‌بازی با کتاب	۶۶	96
دو توهم در تن تهران: قردر کمر مفهوم در سر	۸۴	≈<<
کافی شاپی برای همه		

« »



۱۰۰

مطرب مهناب رو آن چه شنیدی... نگوا

وقتی از دهه‌ی شصت حرف می‌زنیم
از چی حرف می‌زنیم؟



۱۰۰

زمان که بر ما می‌گذرد
و ما که در زمان می‌گذریم.



۱۱۸

به: برادر م پیمان در: جهانی دورتر از من



۱۲۸

نادر از سیمین، سیمین از نادر
ما از نادر و سیمین



۱۳۸

ضربان گذشته در حال



۱۴۸

یک گزارش به آینده

مقدمه

روزانه مقدمه‌ای این کتاب نوشته می‌شود. روزهای آخر تیر است. منتهی این متن توافق جامع میان ایران و شش قدرت جهانی برای برچیده شدن تحریم‌ها از یک سو و اعتمادسازی ایران در زمینه برنامه هسته‌ای از سوی دیگر، شمر شد. در میانه خوشحالی‌ها و لبخندها از خودمان می‌پرسیم: واقعا از کابوس هشت ساله بیدار شدیم؟ عجب این است که بازگشت به عقب، به جایی که بودیم و تازه خیلی جای خوبی هم نبود، خوشحالمان می‌کند. توی دلمان آب می‌شود. معنای کابوس هم همین است. کابوس وقتی تمام می‌شود تازه همان جایی هستی که قبل از کابوس بودی. کابوس یک بیدار پاله است میان دو خط فاصله روی کاغذ. خط فاصله‌ای که معنای تمام این را می‌بلعد و به هیچ می‌فرستد. اگر به راستی از کابوس بیدار شده باشیم... چنین باد. هشت سال بر ما گذشت و فرصت پیش رفتن از ما دریغ شد. در امتداد فریاد نسل‌ها و نخبگانی که زیر آوار تقدیری زمخت و بی‌رحم در راه رسیدن به خواست تاریخی مردم این سرزمین دفن شدند احتمالا باید نشانی از این هشت سال زندگی ما هم جست. بگذریم. هشت سالی که تنها نامی که می‌توان بر آن نهاد «دوره‌ی بی‌خردی» است.

نوشته‌های این کتاب محصول تلاش‌های ذهنی است که در تاریک‌ترین لحظات که چشم چشم را نمی‌دید می‌کوشید به این سو و آن سو نگاه کند و به هر چه که می‌بیند فکر کند. این‌ها نوشته‌هایی است درباره‌ی همه چیز. و تنها وجه مشترک آن‌ها این است که در فاصله‌ی سال‌های بین ۸۸ تا ۹۲ نوشته شدند. تنها به احترام آن شیرهی ناب زندگی که هنوز میان مویرگ‌های حیات می‌دوید. آن عصاره‌ای که هنوز نمی‌گذاشت زندگی تبدیل به مرگ شود. و در نهایت هم صحنه‌ی بازی را تا حدی عوض کرد.

این نوشته‌ها صحنه‌هایی است از یک زندگی که اگرچه در طول هشت سال اخته و دم بریده بود اما بالاخره بود. و فکرها و ایده‌های مندرج در این نوشته‌ها اگرچه احتمالاً در نیلی با ما به نتیجه‌ای محصل آن چنان که خیلی‌ها می‌پسندند نرسیده است، اما این است که روی هم توانسته باشد تصویری باشد از یک دوران.

۱۱ -
درهای
نیمه‌باز
-

نام این کتاب را ابتدا گذاشته بودم خاطرات خامه‌دستی. اما بعد به مصداق آیه‌ای از قرآن که می‌گوید خداوند حتی نام بردن از زشتی را هم نمی‌پسندد، نامش را عوض کردم به درهای نیمه‌باز. تمثیل از زندگی یک نسل که در افق روبه‌رویش نور در نور است که از میان درهای نیمه‌باز می‌زند که نیمه‌بازند. و برای عبور هزینه‌های بالا می‌طلبند.